

سقوط شهر ونیز، داستانی برای همه

● هر موج جدید از جوانان جویای نام که از طریق کومندا (از نهادهای اقتصادی مشابه) به ثروت می‌رسیدند، از منافع و توفیق‌های اقتصادی نخبگان استقرار یافته می‌کاست. فقط کابستن منافع در کار نبود؛ اینه امواج قدرت سیاسی آنان را نیز به چالش می‌کشیدند. بنابراین طبقه حاکم موجود که در شورای بزرگ کرسی داشتند همواره مایل بودند اگر بتوانند، درهای نظام را روی تازه‌واردان ببندند. در سوم اکتبر ۱۲۸۶ پیشنهادهی به مجمع عمومی ارایه شد که بر مبنای آن آیین‌نامه تعیین اعضای جدید اصلاح می‌شد؛ به این‌صورت که این افراد باید به تأیید اکثریت شورای ۴۰ نفره که تحت سیطره خاندان‌های حاکم بود، برسند. این پیشنهاد به نخبگان اجازه می‌داد عضویت تازه‌واردان را وتو کنند؛ حقی که تا پیش از آن نداشتند. این پیشنهاد پذیرفته نشد. در پنجم اکتبر ۱۲۸۶ طرح دیگری تقدیم شد که این‌بار به تصویب رسید. از آن پس اگر پدر یا پدربزرگ کسی قبلا در شورا خدمت کرده بود، صلاحیتش به صورت خودکار تأیید می‌شد، در غیر این صورت لازم بود که مراتب به تأیید شورای دوک‌ها برسد. در هفدهم اکتبر تغییری دیگر در این آیین‌نامه به وجود آمد که تصریح می‌کرد انتصاب به عضویت شورای بزرگ باید به تأیید شورای ۴۰نفره، دوج و شورای دوک‌ها برسد. مجادلات و اصلاحات اساسی سال ۱۲۸۶ نوعی انقلاب برای «شراتا»^۱ (بسته شدن) ی ونیز به حساب می‌آمد. در فوریه ۱۲۹۷ تصمیم گرفته شد اگر کسی در چهار سال پیش از آن عضو شورای بزرگ بوده است، به صورت خودکار به عضویت این شورا درآید و عضویتش مورد تأیید قرار گیرد. اینک عضویت‌های جدید نیاز به تأیید شورای ۴۰ نفره داشت، با این تفاوت که اخذ آن ۱۲ نفری از آرای این شورا برای این منظور کفایت می‌کرد. پس از ۱۱ سپتامبر ۱۲۹۸ اعضای قبلی و خانواده‌هایشان دیگر نیاز به تأیید نداشتند. شورای بزرگ اینک به صورت کامل نسبت به نفوذ تازه‌واردان مهروموم شده بود و اعضای اولیه طبقه‌ای از اشراف امیرتبار را شکل می‌دادند. این فرآیند در سال ۱۲۱۵ با تنظیم «لیبرو دور»^۲، یا «کتاب طلایی» که نام نجیب‌زادگان ونیزی را به صورت رسمی ثبت کرده بود، به کمال رسید. آنهایی که بیرون از این اشرافیت نوپا قرار گرفته بودند اجازه ندادند پایه‌های قدرتشان بدون در دسر مضمحل شود. بین سال‌های ۱۲۹۷ تا ۱۳۱۵ تنش‌های سیاسی در ونیز بدون وقفه اوج گرفت. شورای بزرگ با افزودن بر تعداد اعضای خود به این‌نقش‌ها پاسخ گفت. در تلاشی برای جذب پرسروصداترین رقیبان، تعداد اعضای این شورا از ۴۵۰ نفر به یک‌هزار و ۵۰۰ نفر رسید. این گسترش با سرکوب تکمیل شد. در ۱۳۱۰ برای اولین‌بار یک نیروی پلیس تأسیس شد و از آن پس سلطه جابرانه در داخل کشور، به‌عنوان رویه‌ای برای تحکیم نظام سیاسی جدید، به صورتی پیوسته شدت یافت.

شورای بزرگ بعد از به اجرا گذاشتن یک «سراتای سیاسی» به سمت اتخاذ نوعی «سراتای اقتصادی» حرکت کرد. اینک تغییر مسیر به سوی نهادهای سیاسی استثمارری با رواج نهادهای اقتصادی استثمارری دنبال می‌شد از همه مهم‌تر قرارداد‌های کومندا، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابداعات نهادی که ونیز را ثروتمند کرده بود، ممنوع اعلام شد. چه جای تعجب است! کومندا منافع تجار جدید را در برداشت و اینک نخبگان استقرار یافته سعی در حذف آنها از صحنه داشتند. این تنها یکی از گام‌ها به سوی نهادهای اقتصادی استثمارری نبود. قدم بعدی زمانی برداشته شد که در آغاز سال ۱۳۱۴ حکومت ونیز تجارت را ملی اعلام کرد و خود مهار را در دست گرفت. این دولت به سازماندهی کشتی‌های بزرگ پاروسی برای بازرگانی پرداخت و از سال ۱۳۲۴ به بعد شروع به دریافت عوارض سنگین از افرادی کرد که می‌خواستند شخصا به بازرگانی بپردازند. تجارت با سرزمین‌های دور به انحصار نجیب‌زادگان درآمد. این آغازی بر پایان بهروری ونیزیان شد. با به انحصار درآمدن رشته‌های اصلی کسب‌وکار از سوی حلقه‌های تنگ نخبگان، افول در پیش بود. به نظر می‌رسید ونیز در آستانه آن قرار داشت که نخستین جامعه فراگیر در جهان شود، اما کودتایی رخ داد: نهادهای سیاسی و اقتصادی هر چه استثمارری تر شدند و اقتصاد ونیز تجربه زوال را آغاز کرد. تا سال ۱۵۰۰ میلادی جمعیت به یک‌صد هزار نفر کاهش یافت و بین سال ۱۶۵۰ تا ۱۸۰۰، زمانی که تعداد نفوس در قاره اروپا رو به فزونی نهاده بود، جمعیت ونیز همچنان کمتر می‌شد. امروزه تنها اقتصادی که ونیز دارد، به‌جز اندکی ماهیگیری، گردشگری است. ونیزی‌ها به‌جای پیشگامی در مسیرهای بازرگانی و نهادهای اقتصادی، پیترزا می‌زنند، بستنی و لیوان‌های هف‌رنگ درست می‌کنند تا به انبوه گردشگران بفروشند. مسافران برای بازدید از عجایب پیش از جابه‌جایی ونیز به این شهر می‌آیند، عجایبی چون کاخ دوج و شیرهای «کلیسای جامع سنت مارک»^۳ که ونیزی‌ها وقتی بر مدیریتانه حکم می‌راندند از امپراتوری بیزانس^۴ غارت کردند. ونیز از موتورخانه اقتصاد به یک موزه تبدیل شده است.

پی‌نوشت‌ها:

1- commenda
2- doge
3- General Assembly
4- Domenico Flabianico
5- la Serrata
6- Libero d'Oro
7- Mark's Cathedral
8- Byzantium

ادامه از صفحه ۵
اما در شیوه تولید سرمایه‌داری، سرمایه‌دار با پول به بازار می‌رود، کالا (اعم از قدرت کار و ابزار تولید) می‌خرد. بعد از آنکه پویش تولید (Productive Process) به انجام رسیده، به بازار برمی‌گردد و محصولش را بار دیگر به پول نزدیک می‌کند. مارکس این فرآیند را با پول-کالا-پول نشان می‌دهد. پول آغاز است و انتها، بر اساس نظر مارکس، پویش با معنی، زمانی است که در پول-کالا-پول، پول دومی از اولی بیشتر باشد. از جنبه تئوریک، فرجام اقتصاد دهقانی جایگزین نشده شیوه تولید مدرن (سرمایه‌داری) است. این شیوه تولید، تحت شرایط عادی و به‌طور کلاسیک (همانند تجربه اروپای غربی) به استقرار شیوه تولید سرمایه‌داری در کشاورزی ختم می‌شود. این موضوع هم مورد قبول آنانی که وجه مستقلی برای تولیددهقانی قابل هستند (مانند الکساندر چایانف و یل سوییزی^۱ او هم آنانی که اقتصاد دهقانی را پگاه و آغاز تولید سرمایه‌داری می‌دانند امارکس و لنین و کائوتسکی^۲) و هم افرادی که تولید دهقانی را عناصری از فتوالیسم تلقی می‌کنند (اموریس^۳ داب) می‌باشد.

گذار عادی از شیوه تولید دهقانی به شیوه تولید سرمایه‌داری، به عواملی بسته است. این عوامل در غرب به دلیل شرایط ساختاری از جمله: مالکیت خصوصی زمین در دوران فتودالیسم، استحکام و انسجام پایین در ساختار تولید و دگرگونی‌های عمیق در حکومت‌ها و قدرت‌های سیاسی میهن‌پا بوده است. بر خلاف آن، کشورهای در حال توسعه، در مرحله گذار با موانع جدی روبه‌رو هستند. این موانع عبارتند از: نقش بازدارنده سرمایه‌داری جهانی (امپریالیسم) در اقتصاد دهقانی، توسعه‌نیافتگی سرمایه‌داری صنعتی، حاکمیت سیاسی طبقه سرمایه‌داری تجاری، استحکام و انسجام بالا در ساختار تولید، حاکمیت‌گرایی‌های سیاسی غیردموکراتیک و اجرای سیاست‌های نادرست در بخش کشاورزی. به‌طور خلاصه، گذار از شیوه تولید دهقانی به شیوه تولید سرمایه‌داری (تحقق توسعه‌یافتگی) در کشورهای که با موانع گفته شده مواجهند، بسیار کند می‌باشد. حتی در صورت جدی و حادبودن این موانع، ممکن است در برخی مناطق، به‌جای گسترش شیوه تولید سرمایه‌داری به صورت‌های ماقبل تولید دهقانی (اشکالی از فتودالیسم) رجعت شود. این فرآیند به معنای گریز از توسعه‌یافتگی و در واقع یک گام به‌عقب تلقی می‌شود.

چشم‌انداز کشاورزی ایران با طرح هفدمندکردن یارانه‌ها جامعه روستایی ایران، با مفروضات تئوریک مرسوم به برخی مناطق، به‌جای گسترش شیوه تولید ارزیابی است. اقتصاد دهقانی دارای فرآیند تکاملی خاص خود است، بنابراین عوامل متعددی در تکامل آن می‌تواند دخیل باشند. سوال این است که نقش هفدمندکردن یارانه‌ها در این تکامل چیست؟ آیا هفدمندکردن یارانه‌ها، موجب شکوفایی اقتصاد دهقانی و بهبود معیشت دهقانان خواهد شد؟ یا اینکه برای افزایش و افلاس سرچه بیشتر آن را فراهم خواهد کرد؟ مساله دیگر قابلیت برنامه‌ها و سیاست‌های دولت در این زمینه است. آیا سیاست‌ها، سازوکار و برنامه‌های دولت به‌طور عام و بسته‌های حمایتی و جانبی به‌طور خاص، منجر به اصلاح و بهبود شیوه‌های تولید و در نهایت خشنی کردن افزایش قیمت تمام‌شدنی ناشی از طرح هفدمندکردن یارانه‌ها، کفایت خواهد کرد؟

در ارتباط با آثار طرح هفدمندکردن یارانه‌ها در بخش کشاورزی و روستاهای ایران، در نگاه اول، چنین به‌نظر می‌رسد که این طرح، به دلیل سهم بالای یارانه دریافتی (با توجه به ابعاد بالای خانوار روستاییان، حدود پنج‌نفر) و همچنین سهم اندک آنها از مصرف حامل‌های انرژی (آب و برق و گاز) به نفع روستاییان باشد. این ظاهر قضیه و ساده‌ترین شکل برخورد با مساله است. باید دید آثار این طرح در بلندمدت و ارتباط آن با تکامل جامعه روستایی ایران چیست؟

در کوتا‌ممدت [به اصطلاح

دست به نقد] روستاییان به ازای هر نفر ماهانه حدود ۴۰ هزار تومان یارانه دریافت می‌کنند (برای هر خانوار پنج‌نفره، ۲۰۰ هزار تومان) به ازای آن چیزی که از دست داده‌اند و آن عبارت است از: یارانه آرد، روغن، قند، نفت، یارانه عوامل تولید از قبیل یارانه کود و سم و مهم‌تر از همه گرانی‌های عمومی، به ویژه حمل‌ونقل. قیمت آرد روستایی از کیلویی حدود ۱۲ تومان به ۲۵۰ تومان افزایش یافته است. با توجه به مصرف حدود چهار کیلو آرد توسط هر خانوار روستایی، فقط این قلم (هزینه آرد خانوار) یارانه یکی از افراد خانوار را خواهد بلعید. به‌سادگی می‌توان درک کرد که هزینه قند و شکر، روغن، نفت، کود، سم و حمل‌ونقل نیز یارانه دیگر افراد خانوار را بر به ی خواهد کرد. بنابراین در کوتا‌ممدت نیز طرح هفدمندسازی یارانه‌ها جز شکل ساد‌س‌ای از جابه‌جایی هزینه‌های زندگی روستاییان و «از این جیب به آن جیب کردن» و اتلاف وقت چیزی نصیب روستاییان نمی‌کند. منت‌ها آثار بلندمدت طرح هفدمند کردن یارانه‌ها در جامعه روستایی و اقتصاد دهقانی بسیار حایز اهمیت است. اینکه این طرح، در بلندمدت، چه تأثیری بر جامعه روستایی و اقتصاد دهقانی خواهد گذاشت و آن را به کدام‌سو هدایت خواهد کرد؟ با سمت نوعی شیوه تولید مدرن و بهروری بالای تولید؟ یا به سمت فروپاشی، افلاس و تجزیه طبقاتی دهقانان و گسترش سرمایه‌داری از شکل افتاده و ناتوان از اصلاح شیوه تولید در روستاهای ایران؟

بزم‌گزار نرزنده، این طرح در بلندمدت به دلایلی موجب انزوی بیشتر اقتصاد دهقانی، تجزیه طبقاتی

دهقانان، کاهش تولید و برگشت جامعه به اشکال ماقبل سرمایه‌داری (شبه‌فتودالی) و گسترش سرمایه‌داری غیرتولیدی (عمدتا شبه‌رفاهی، غارت‌گانه و تخریب) در مناطق روستایی خواهد بود. برنامه‌های حمایتی و جبرانی دولت نیز به دلیل اندک بودن سهم کشاورزی (۱۰ درصد) از درآمد‌های حاصل از اجرای قانون هفدمندسازی یارانه‌ها، صرف‌نظر از کم‌وکیف برنامه‌ها، تأثیر ناچیزی بر ساختارهای تولیدی جامعه روستایی خواهد گذاشت. برخی از این دلایل عبارتند از:

۱- طرح هفدمندسازی یارانه‌ها به دلیل گرانی عوامل و نهاده‌های تولید (کود، سم، بذر و همچنین قیمت کالا‌ها و خدمات عمومی) موجب افزایش قیمت تمام‌شده و محصول خواهد شد. بر اساس بررسی مرکز پژوهش‌های مجلس، ثرومی بالای ۵۰ درصد رقم خواهد خورد. افزایش قیمت تمام‌شده محصول در شرایطی مضاعف می‌شود که ساختار و شیوه تولید در کشاورزی ایران همچنان دارای صورت‌بندی دهقانی (پیش‌سرمایه‌داری) است. در واقع ایران دو پله از سیستم تولید جهانی فاصله می‌گیرد. پله اول، وضعیت موجود (در حالی حاضر نیز، ایران، در تولید کالای کشاورزی مزیت نسبی خود را از دست داده است). بنابه گفته دکتر عیسی کلاتری (وزیر سابق کشاورزی) در حال حاضر نیز توان صادراتی ایران از دست رفته و به غیر از دو یا سه محصول (پسته و کیوی) در بازارهای جهانی مزیت بین‌المللی دیگری در بخش صادرات محصول تولیدشده برای ایران باقی نمانده است. و پله دوم؛ فاصله ناشی از افزایش جدید قیمت تمام‌شده. بنا به نظر دکتر کلاتری، با حذف یارانه‌ها، به دلیل نقدنگی محدود بخش کشاورزی و عدم تأمین حداقل نقدنگی از طرف سیستم بانکی، تولید ضربه خواهد خورد و در چنین شرایطی [برخلاف نظر دکتر کلاتری] که معتقد است برخی از روستاییان تولید را رها می‌کنند، آنان تولید را رها نخواهند کرد، بلکه مجبور خواهند شد به شیوه‌های تولید منسوخ‌شده در کشاورزی روی آورند.

طرح هفدمند کردن یارانه‌ها نفوذ مناسبات اقتصاد جهانی را به مناطق دوردست ایران هموار تر می‌کند؛ راهی که قبلا گشوده و تردد در آن جاری است. بنابراین راهی که قبلا گشوده و تردد در آن بیش در برابر هجوم رقابت ناخواسته و نابرابر قرار می‌دهد، از آنجایی که امکان اصلاح شیوه و بهروری تولید ایسا توجه به برنامه‌ها و روندهای موجوداً وجود ندارد، بنابراین روستاییان و دهقانان، بیشتر به لاک دفاعی رفته و همان‌طوری که گفته‌شد ممکن است به شیوه‌های منسوخ (شبه‌فتودالی) روی آورند. به عبارت دیگر ممکن است بیش از پیش دهقانی تر شوند.

حتی قبل از اجرای این طرح در شرایط تخصیص یارانه‌ها و به‌اصطلاح وضعیت عادی نیز محصولات زراعی و باغی دیگر کشورها [کشورهای درحال توسعه] مانند: تایلند، هندوستان، چین، پاکستان، ترکیه، شیلی، مصر و لبنان، که یک گام پیش نهاده و موفق به اصلاح شیوه‌های تولید و کاهش قیمت تمام‌شده شده‌اند، به ایران سرریز شده بود. ۲- مساله دیگر، سیاست‌های کشاورزی در ایران است. سیاست‌های کشاورزی در بعد از انقلاب، حتی هفدمندی و شفافیت برنامه‌های قبل از انقلاب را نداشته است. در قبل از انقلاب، بخش کشاورزی، عمداً در راستای گذار از شیوه تولید دهقانی و توسعه مناسبات سرمایه‌داری مدنظر بوده و اصلاحات ارضی، ایجاد شرکت‌های سه‌امی زراعی، تعاونی‌های تولید و کشت و صنعت‌ها را می‌توان از برنامه‌های مهم این پروسه دانست. در بعد از انقلاب، بخش کشاورزی نه به منظور گذار از شیوه تولید دهقانی و ارتقای آن به شیوه تولید سرمایه‌داری، بلکه بیشتر با ن‌گاه پوپولیستی و تأمین نیاز نیروی از کار افتاده جامعه و ضرورت حفظ سیاهی لشکر با نگاه ترحم و اعانه‌گیر مورد توجه بوده است.

بنیان فکری سیاست‌های کشاورزی در ایران، این بوده که چگونه شیوه تولید و ویژگی‌های فرهنگی دهقانان پایدار بماند. پروژه‌های طراحی‌شده برای توسعه روستا‌ها، با مینا قرار دادن «کوچک زیباست» (عنوان کتابی از ای.اف. شوماکر تحت همین نام) به‌عنوان پشتوانه تئوریک برنامه‌ها و سیاست‌ها، عمداً اشکال خرده‌کاری داشته است. اشاعه مفاهیمی چون خودکفایی در محصولات، متعهد شدن دستگاه اجرایی در این زمینه به ساختار سیاسی بدون توجه به ساختارهای تولیدی، قهرمان‌پروری دهقانی و تشویق آنان برای کشت غلات،

«یارانه هدفمند» و چشم‌انداز کشاورزی ایران



تولید در بخش کشاورزی

منغور جلوه دادن پدیده‌ای طبیعی مانند مهاجرت، مقدس شمردن کشاورزی سنتی و ابزارهایی مانند بیل و کلنگ جایگزین مفاهیم پذیرفته‌شده در علم اقتصاد؛ مانند مزیت نسبی و صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس بزرگ واحدهای تولیدی شد.

این سیاست‌ها و مفاهیم موجب شد، جامعه روستایی ایران برخلاف جهت تحقق شیوه تولید سرمایه‌داری و توسعه کشاورزی، به خرده‌دهقانی و حتی اشکال ماقبل آن رجعت کند. دهقانان روی سر هم انباشته، فقیرتر و دهقانی‌تر از گذشته شدند. فرآیندی که سهراب بهداد و فرهاد نعمانی در کتاب «طبقه و کار در ایران» از آن به‌عنوان درون نایی ساختاری نام می‌برد.

۳- بسته‌های پیشنهادی که برای حمایت از کشاورزان و روستاییان در جریان هفدمندکردن یارانه‌ها ارایه شده شفافیت لازم را ندارد؛ اولاً از نظر تاریخی، دیرهنگام ارایه شده. چنین بسته‌هایی باید حداقل یک دهه پیش‌تر تنظیم و اجرا می‌شد. آیا می‌شود در صحنه کارزار دنبال ساخت ادوات گشت؟ توانمندی در رقابت و صدور کالا در نظام سرمایه‌داری، یک‌شبه به دست نمی‌آید. دوم اینکه بنا به گفته مسوولان و کارشناسان بخش کشاورزی (به‌عنوان نمونه: کیخویه‌نایب‌رییس کمیسیون کشاورزی و منابع آبی مجلس) سهم ۱۰ درصدی بخش کشاورزی از درآمد‌های اجرای هفدمندکردن یارانه‌ها بسیار ناچیز است. سوم، اجرای بسته‌های پیشنهادی نیز در چارچوب سیاست‌های موجود در بخش کشاورزی قرار می‌گیرد. همان‌طوری که گفته شد، امکان اینکه این سیاست‌ها

منجر به اصلاح شیوه تولید و توسعه کشاورزی [تا آن اندازه که توان رقابت در سطح بین‌المللی پیدا کند] بسیار کم است. محتویات این بسته را عمدتاً کمک‌های بلاعوض و تخصیص وام‌های بانکی تشکیل می‌دهد. از این بسته‌ها رقابت جهانی مستفاد نمی‌شود. برخی‌ها پیشنهاد می‌کنند حذف یارانه‌ها در بخش کشاورزی نه یک‌باره بلکه گام‌به‌گام انجام گیرد. به نظر نگارنده این پیشنهاد اشتباه است. برای اینکه تکامل کشاورزی عمدتاً نه براساس نیروها و عناصر داخل خود بخش کشاورزی، بلکه تا حدود زیادی بر مبنای روندهای کلی جامعه، به‌ویژه پتانسیل شهرها و مسایل بین‌المللی صورت می‌گیرد.

نتیجه اینکه، به نظر نگارنده، طرح هفدمندسازی یارانه‌ها، به دلیل افزایش قیمت تمام‌شده تولیدات کشاورزی، از دست رفتن مزیت نسبی تولیدات کشاورزی در طول دهه‌های گذشته، پیشگامی کشورها از جنبه اصلاح شیوه‌های تولید و دستیابی به مزیت‌های نسبی در تولیدات، پایین بودن سهم بخش کشاورزی از درآمد‌های حاصل از اجرای قانون هفدمندسازی یارانه‌ها، دیرهنگامی و کم‌وکیف ناروشن اجرای بسته‌های حمایتی و جبرانی و ابهام ریشه‌ای در سیاست‌های کشاورزی موجب ضعف دوجندان بنیان‌های تولیدی جامعه و رقابت‌پذیری آنان خواهد بود. در نهایت ممکن است اجرای این طرح موجب تجزیه مجدد طبقاتی در جامعه روستایی و رجعت به شیوه‌های تولید پیش‌سرمایه‌داری شود. یعنی جامعه روستایی ایران بیش از پیش دهقانی‌تر از گذشته خواهد شد. این فرآیند گرچه موافق طبع سرمایه‌داری تجاری (حاکم) است، اما از نظر تکامل تاریخی، جامعه روستایی را به عقب خواهد راند.

وظیفه اصلی یک دولت دموکراتیک در شرایط غلبه و تسلط اقتصاد دهقانی به کل جامعه روستایی، نه فقط کمک‌ها و بخشش‌های بلاعوض، بلکه این خواهد بود که برای برطرف کردن موانع سیاسی موجود، بر سر راه اصلاح شیوه تولید تلاش کنند. منت‌ها باید دید سرمایه‌داری تجاری حاضر خواهد شد به نفع اصلاح شیوه‌های تولید، از همراه ایدئولوژیک خود (طبقه اجتماعی دهقانان) گذر کند. اساساً سرمایه‌داری تجاری به دلیل همپوشانی ایدئولوژیک با طبقه تولیدکنندگان خرده‌دهقانی، خواهان بقای آن است. تنها سرمایه‌داری صنعتی است که زمینه را برای اصلاح شیوه تولید موجود و استقرار شیوه تولید مدرن فراهم می‌کند. تحت این شرایط، سرمایه‌داری صنعتی حاضر خواهد بود از رقیب ایدئولوژیک خود (طبقه دهقانان) برای همیشه وداع کند.

سبز میدان از «منظره‌ها» لذت نبرد

● **بسیم لاله:** سرانجام وقت مناظره‌ها فرا رسید اما مناظره‌ای که قرار بود اقتصادی باشد، تبدیل به یک کنکور آن هم در پایین‌ترین سطح شد. از قدیم نبض اقتصاد ایران در بازار تهران زده می‌شد و شاید بهترین مدل قضاوت در مورد برنامه‌های اقتصادی کاندیداها بازاریان باشند. سبزه‌میدان، تیمچه، بورس لوازم خانگی و آشپزخانه‌ای که با توجه به اعیاد پیش‌رو و برگزاری مراسم‌های عروسی همچنان خلوت است و کاسبان گل‌مند از وضعیت موجود قیاخلو از کاسبان قدیمی بازار، مناظره دیشب را بیشتر یک برنامه تفریحی می‌داند تا انتخاباتی. او با انتقاد از محتوای سولات مطرح‌شده از کاندیداها از فرصت‌ناشتن کاندیداها در بیان نظرات اقتصادی مخصوصاً سزار و کار مهار تورم انتقاد کرد. سیدعلی، یکی دیگر از حजरدهاران که البته مخصوص حج را به فروش می‌رساند، می‌گوید در برنامه دیروز جای مرحوم «هنوچر نوذری» خالی بود ما منتظر مناظره‌ای قوی بودیم که مهم‌ترین مسایل اقتصادی مملکت را به چالش بکشد و مخصوصاً برنامه‌های کاندیداها را برای افزایش قدرت خرید مردم بدانیم نه اینکه «مسابقه هفتنه» بینیم. مسایل اقتصادی مملکت را با سه چهار دقیقه وقت که نمی‌شود بیان کرد و تازه برای آن راهکار ارایه داد. احمدی یکی از فروشندگان لوازم‌برقی در سرای مقدم با انتقاد از کاندیداها می‌گوید کاندیدایی که نتواند حق خود را بگیرد و بگذارد مجری تلویزیون هر کاری که می‌خواهد انجام دهد چگونه می‌خواهد حق مردم و ملت را در جوامع بین‌المللی بگیرد.

از سوی دیگر بهرام که در نمایندگی «پورو پن» در چهارراه «استانبول» شاغل است مناظره دیشب را با توجه به تعداد کاندیداها قابل قبول می‌داند و پیروز این مناظره را غرضی می‌داند. به گفته وی غرضی تنها کسی بود که فهمید اساس همه چیز در این مملکت «دلار» است و این قیمت دلار است که وضعیت اقتصادی مملکت را نشان می‌دهد. فلاح از دیگر مغازهداران استانبول که در کار بدلیجات و نفره است عارف را بهترین شخص برای اقتصاد بیمار کشور می‌داند و علت آن را تأکید وی بر استفاده از متخصصین تمام احزاب کشور می‌داند. کاسب‌های «سهرامین حضور» هم از مناظره‌های جمعه غیر از شوخی و خنده برداشت چندانی نداشتند. سهیل که نمایندگی شرکت بوش را دارد به خنده می‌گوید: «از کی بیرسمش فقط کم بود». اما فعالان خرید و فروش ارز بیشترین ناراضیاتی را از مناظره روز جمعه ابراز می‌کنند زیرا اکثر آنها انتظار داشتند با برگزاری مناظره، بازار ارز شاهد تغییر و تحولات اساسی شود اما با انجام خنثی مناظره جمعه بازار شاهد کمترین تحولات بود.



با هزار تومان خیلی کارهای مهمی میشه کرد!

سال پیش از شما پرسیدیم که با هزار تومان چی کار می‌شه کرد و از شما دعوت کردیم که با مشارکت در طرح عضویت محک با پرداخت ماهانه حداقل هزار تومان به بزرگ‌ترین خانواده حامی کودکان مبتلا به سرطان پی‌وندد. امسال می‌خواهیم بگوییم که با هزار تومان‌های شما در محک چه کار می‌کنیم؛ ما با تکیه بر کمک‌های شما از سال ۱۳۷۰ تاکنون موفق به حمایت همه جانبه بیش از ۱۸۰۰۰ کودک مبتلا به سرطان در سراسر ایران شده‌ایم و در سال ۸۶ تنها بیمارستان فوق تخصصی سرطان کودکان در خاورمیانه را بتا نهاده و بهره‌برداری کرده‌ایم. فقط در این بیمارستان تا امروز بالغ بر ۸۰۰۰ کودک از سراسر ایران، رایگان درمان شده‌اند.

اگر شما هم مایه فقط هزار تومان به محک کمک کنید، می‌توین ضمن پیوستن به بزرگترین خانواده حامیان کودکان مبتلا به سرطان در یکی از پر ارزش‌ترین حرکت‌های دنیا برای نجات جان هزاران کودک مشارکت کنید.
برای پیوستن به خانواده بزرگ محک با شماره ۰۲۳۵۴-۰۲ تماس بگیرید.



برای بازدید از این مجموعه که حاصل عشق شماس‌ت، با شماره تلفن ۰۲۳۵۰۱۲۱-۰۲ تماس حاصل فرمایید.
از اینکه به پیام ما توجه کردید سپاسگزاریم.